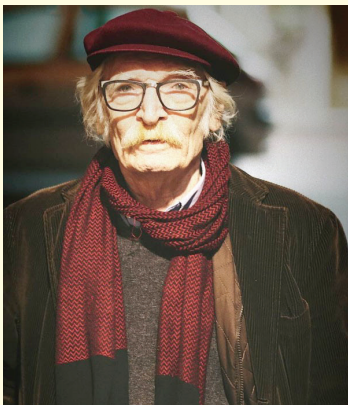




کتاب «بچ» تا: «ترتین اثر محمود دولت آبادی شامل چهار نمایشنامه و یک فیلمنامه منتشر شد. این مجموعه با همکاری انتشارات وزن دنیا و نشر سلوک در ۴۸۸ صفحه عرضه شد و شامل آثار «خانه آخر»، «تنگنا»، «گل آشین»، «قنقوس» و «اتوبوس» است. دولت آبادی در پیشگفتار کتاب، تأثیر اهرنی شریف و بی ریا خوانده و از دشواری های اجرای نمایش در دهه های گذشته سخن گفته است. «تنگنا» از جمله نمایشنامه های است که بخشی از آن در فیلم «گزن ها» اقتباس شد.

نگاهی به کتاب «گنجشک خوانی در باغ‌های زیتون»

حیدر کاسبی: «از سالی که هنوز به دنیا نیامده بودی برادرت بودم / از زمانی که هنوز / باغ‌های زیتون / تنها / باغ‌های زیتون بودند / و کسی به آن‌ها سوگند می‌دادن که ده‌دو...»

حسین شکر بیگی شاعر ایلامی است که توانایی
سرودن شعر به دوزبان فارسی و گُردی را دارد. او

ضایع - «نام دو اندیشمند ایرانی در فهرست بزرگداشت‌های یونسکو». ماجرا از این قرار است که روز شنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۴ (۱۱ اوت ۲۰۲۵)، در جریان چهارمین کنفرانس عمومی یونسکو، نام دو اندیشمند برجسته ایرانی، یعنی یازید بسطامی و علامه سید محمدحسین طباطبایی، به‌طور رسمی در فهرست بزرگداشت‌های این سازمان برای دوره ۲۰۲۶-۲۰۲۷ ثبت شد. این رویداد با گستره‌ای جهانی، از واقع‌آزادامی شایسته و فراتر از یک برنامه نمادین فرهنگی است و آن را یاد شانه‌ای از ظرفیت تمدنی ایران در عرصه بین‌المللی و بازخوانی میراث تمدنی آن به شمار آورد.



در بابایزد بسطامی، عارف قرن سوم هجری، در شهر بسطام چشم به جهان گشود و با آموزه‌هایی مبتنی بر عشق، سلوک و همزیستی، نگاهی عرفانی را پایه‌گذاری کرد که بی هیچ اغراق می‌توان این ادعا را مطرح کرد که این شیوه فکری از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته است. اندیشه‌های بابایزد، الهام‌بخش چهره‌هایی مانند مولانا، عطار و خواجه عبدالله انصاری بوده و در شکل‌گیری عرفان ایرانی نقشی بنیادین داشته است. ثبت هزار و صدو پنجاهمین سالگرد دوفاات او با حمایت کشور های ارمنستان، تاجیکستان و ترکمنستان، در روز های اخیر نشان دهنده میزان گستردگی و تأثیر گذاری او در جهان است.

همچنین علامه محمد حسین طباطبائی،

می آید. حسین شکر بیگی
در این کتاب خواسته است
ادای دینی کنبه آدم‌های
جنگ زده و رسالتش را در
به تصویر کشیدن ویران‌ها
و زندگی‌های بعد از جنگ
تغریف کرده است: «قرار
بود / آسمان در چشم‌های
تو خوش بنشیند / با تمام
آبی‌اش / نه اینکه از ترس
چشم بدوزی به آسمان /

فیلسوف و مفسر برجسته قرن بیستم، با اثر ماندگار خود «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، پلی میان فلسفه اسلامی و اندیشه‌های مدرن غربی بنا کرد. او با تأکید بر عقل، استدلال و گفت‌وگو، فلسفه را از انحصار نظریات سنتی خارج ساخت و آن را به بستری برای تعامل میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تبدیل کرد.

هانری کربن، فیلسوف فرانسوی که در خانواده‌ای مسیحی پرورش یافته بود، در پی همنشینی‌های متعدد با علامه طباطبایی، نتنها در معرفی اندیشه‌های اسلامی به جهان غرب نقش مؤثری ایفا کرد، بلکه الگویی از گفت‌وگوی فلسفی میان شرق و غرب ارائه داد.

ثبت صدمین سالگرد زندگی علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، نمادی از جایگاه و فرامی اندیشه‌های او و تأثیر ژرفش بر گفت‌وگوی میان فرهنگ، در جهان معاصر است.

شاید این سؤال برایتان مطرح شود که نیت جهانی این دو شخصیت در فهرست بزرگداشت‌های یونسکو چه اهمیتی دارد؟ درواقع این رویداد را باید فراتر از بزرگداشت فردیا افراد به شمار آورد. این اقدام درواقع نوعی کنش فرهنگی ارزشمند است که از

طریق آن، ایران توانسته بخشی از میراث فکری خود را در حافظه جهانی ثبت کرده و توجه بسیاری از مردم جهان را به سمت فرهنگ و تمدن خود در طول تاریخ جلب کند. بی تردید جهان امروز، جهانی برپایه گفت‌وگو، همزیستی و عقلانیت است و اندیشه‌های بایزید و علامه طباطبایی چنانچه با این رویداد مورد توجه مردم دیگر کشورها قرار گیرد می‌توانند به عنوان منابع الهام‌بخش در تعاملات بین فرهنگی ایفا نقش کنند؛ به عبارت دیگر این رویداد در نهایت به نوعی صادرات اندیشه و فرهنگ می‌انجامد اتفاقی که در معرفی چهره اصیل ایران به جهانیان در برابر سیاه‌نمایی‌های برخی کشورها مؤثر است. این ثبت‌های جهانی چنانچه به صورت سلسله وار ادامه یابد، بستری مناسب را برای معرفی چهره واقعی ایران در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند؛ تصویری که بر پایه اندیشه روزی و صلح‌نشدی، فرهنگ، عرفان، گفت‌وگو بنا شده است.

در پایان باید به این نکته مهم اشاره کرد که اگرچه ثبت جهانی مفاخر ایران فوایدی که



آرامگاه بایزید بسطامی در بسطام

شده است انسجام در مفهوم است.

شاعر این مجموعه از صفحه اول تا آخر کتاب به شکلی کاملاً منظم شعرش را پیش می برد و از این شاخه به آن شاخه نمی پرد. او قلم به دست گرفته است وادر باره چیزی که ذهنش را مشغول کرده شعر ننویسد نه اینکه بپراکند نویسی کند و از هر دری سخنی بگوید. نقطه قوت این مجموعه جدای از انسجام و یکدست بودن شعرها شاید در این باشد که مخاطب هم تکلیفش با کتاب مشخص است و ذهنش را در صفحه صفحه کتاب دچار پراکندگی نمی بیند.

شاعر از دل همین آوارگی و مشکلات ناشی از جنگ
هم گاهی مفهوم زندگی را بیرون کشیده است: «...»
ظهر روزی از پاییز باشد / بگویی اشب ماه کامل
است / با سرش رانگان بدهد / و فوجان قهوه /
تلخ / سیاه / و واقعی باشد / در خانه ات باشی /
اما / آشنای من نه اداری / آنسوی مرزهای ۱۹۶۷ / اما /
خانه ای هست / حتی اگر نباشد / و درخت یونانی
حتی اگر نباشد / ...»

از مهم ترین ویژگی های کتاب هایی از این دست که
تمام تمرکز شاعر بر روی یک موضوع مهم معطوف

به لکه‌های سیاهی / که
آمده‌اند / اردوگاه را بمباران
کنند...» شکر بیگی آن قدر
درگیر مفهوم جنگ است و
آن چنان این مسئله برایش
مهم است که نمی‌خواهد در
این کتاب به مفاهیم دیگری
بپردازد. با اینکه مفاهیمی
چون عشق و زندگی در کتاب
نسبت به مفهوم جنگ و مرگ
کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کنند اما

[illegible]